

محیی الدین ابن عربی

# نفائس العرفان

مجموعه هفت رساله عرفانی

تصحیح: سعید عبدالفتاح

ترجمہ: سید ناصر طباطبائی

ISBN : 978 - 9953 - 306 - 006 - 2

## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۵
رساله‌ی الانوار جلاله.....	۷
رساله‌ی علو حقیقت محمدی.....	۲۵
رساله‌ی نفائس العرفان.....	۴۵
رساله‌ی شرح اسم جلاله الله.....	۶۱
رساله‌ی حکمت حاتمی.....	۷۷
رساله‌ی الاسفار عن نتایج الاسفار.....	۹۷
وصایای نبوی.....	۱۵۷
وصایای صالحان.....	۲۰۳
وصایای قرآنی.....	۲۳۲

## پیشگفتار

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ما که باشیم ای تو ما را جانِ جان  
ما عدم‌هاییم و هستی‌های ما  
ما همه شیران، ولی شیرِ عَلم  
حمله‌مان پیدا و ناپیدا است باد  
تا که ما باشیم با تو در میان  
تو وجود مطلقِ فانی نما  
حمله‌مان از باد باشد دم به دم  
جان فدای آن که ناپیدا است باد  
مولوی

ابن عربی (۶۳۸ - ۵۶۰ ه. ق) را به حق، پدر وحدت وجود اسلامی دانسته‌اند، در حالی که گروهی کثیر از عرفا و صوفیه و فلاسفه اشراقی ایران بدان باور داشته‌اند. مبنای نظری این مکتب که در فلسفه‌ی افلوطین و مذاهب بودایی هند سابقه‌ی طولانی دارد، به طور خلاصه این است که؛ عالم، همه اوست. زیرا مفهوم هستی یا وجود یک مصداق حقیقی بیش ندارد و در سرتاپای عالم وجود، یک موجود بیش نیست که در آینه‌های رنگارنگ ماهیات و تعینات و مظاهر مختلف، جلوه‌گر و نمودار شده است و آن، همان موجود واحد حق است که به ظهور نورانی در پیکر عالم وجود سریان دارد، به طوری که هیچ موجودی، از جلوه و ظهور او خالی نیست.

لب و عصاره‌ی معنی وحدت وجود نیز، ظهور و تجلی حق در موجودات یعنی اتحاد الوهیت با بشیریت و حلول روح ربوبی در هیكل بشری و فناى فى الله و بقای بالله یا اتحاد ظاهر و مظهر و تجسد لاهوت در ناسوت، تعریف شده است که بعضی به حق آن را حلول و اتحاد گفته‌اند: زیرا مسأله‌ی حلول و اتحاد در واقع از توابع و فروع نظریه‌ی وحدت وجود است و بدون فرض اصل وحدت وجود، معقول نیست. چون اتحاد حقیقی دو شیء با یکدیگر که تباین و تغایر ذاتی داشته باشند، عقلاً محال و ممتنع است.